

## بررسی بین‌نسلی نگرش به طلاق: مطالعه‌ای در استان زنجان

روح‌الله فلاحی گیلان<sup>۱</sup> \* پیام روشنفکر<sup>۲</sup> \* مریم پورکسمایی<sup>۳</sup>

### چکیده

این پژوهش نگرش نسبت به طلاق را در نسل‌های مختلف واکاوی می‌کند. جامعه آماری، افراد (مرد و زن) ۱۵ سال و بالاتر ساکن در استان زنجان هستند که با روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای طبقه‌بندی شده و متناسب با حجم جمعیتی هر یک از شهرها (متناسب با طرح آمارگیری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵)، ۶۱۰ نمونه به‌طور تصادفی و سیستماتیک مطالعه شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که نگرش به طلاق هنوز منفی است (۴۷/۴ درصد پاسخگویان)، اما مخالفت با طلاق به‌طور بین‌نسلی کاهش یافته است. تحلیل جنسیتی داده‌ها، این تغییر نگرش نسلی را در بین زنان با معنی نشان می‌دهد. موافقت نسل‌های جدید با سنگینی صدمات عاطفی ناشی از طلاق و ارجحیت زندگی زناشویی دشوار به طلاق کاسته شده و بر بی‌موردی اغلب مخالفت‌های اجتماعی با طلاق اجماع بیشتر شده است.

### واژگان کلیدی

طلاق، نسل، خانواده‌گرایی اختیاری مدرن، خانواده‌گرایی سنتی و بحران خانواده‌گرایی.

فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی • سال اول • شماره دوم • بهار ۱۳۹۱ • صص ۱۵۶-۱۳۹

۱. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران و کارشناس گروه اجتماعی مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
۲. پژوهشگر و عضو گروه مطالعات راهبردی مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
۳. عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور، واحد آستارا.

### مقدمه

آمارها نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۸ از هر صد ازدواج، چهارده طلاق در کل کشور رخ داده و این آمار برای استان تهران از مرز ۲۶ طلاق نیز گذشته است. بر اساس آمار ارائه شده از سوی سازمان ثبت احوال کشور<sup>۱</sup> در سال ۱۳۸۸، صد و بیست و پنج هزار و هفتصد و چهل و هفت واقعه طلاق (صد و شش هزار و پانصد و چهل و هشت مورد در مناطق شهری و نوزده هزار و صد و نود و نه مورد در مناطق روستایی) به ثبت رسیده است. به عبارت دیگر، در هر شبانه‌روز سیصد و چهل و پنج و در هر ساعت، چهارده طلاق ثبت شده که نسبت به تعداد صد و ده هزار و پانصد و ده ثبت واقعه طلاق در سال ۱۳۸۷، ۱۳/۸ درصد افزایش یافته است (فلاحی و دیگران، ۱۳۸۹).

طلاق، دارای آثار و پیامدهای عمیق اقتصادی، اجتماعی، روانی، قانونی و والدینی بر مردان و زنان مطلقه، فرزندان طلاق و اجتماع است (Weiss, 1975). بسیاری از بررسی‌های انجام شده، از رابطه بین طلاق با اعتیاد، جرم و بزهکاری، روان‌پریشی، عدم تعادل شخصیتی، مسائل آموزشی و تربیتی، خودکشی، جامعه‌ستیزی و نظایر آن حکایت می‌کنند (پیران، ۱۳۶۹). تحقیقات نشان می‌دهد که ۲/۵ درصد از مراجعان به مراکز بازپروری معتادان کل کشور (گل‌محمدی، ۱۳۷۸)، ۹۵ درصد دختران فراری و ۲۶ درصد کودکان خیابانی (علی‌بالازاده، ۱۳۸۳)، از فرزندان خانواده‌هایی هستند که پدر و مادر آنها طلاق گرفته یا با نامادری و یا ناپدری زندگی می‌کنند. به گزارش سازمان بهداشت جهانی، در سیزده کشور مورد مطالعه در اتحادیه اروپا، مهم‌ترین عامل مرتبط با خودکشی، طلاق است (امیدی، ۱۳۸۰). علاوه بر این، طلاق تأثیر فزاینده‌ای بر کودکان می‌گذارد و موجب

۱. در زمینه طلاق، نهادهای مختلف از جمله سازمان بهزیستی، سازمان ملی جوانان و سازمان ثبت احوال کشور، آمار ارائه می‌دهند که این آمار معمولاً با هم تطابق ندارند. از همین رو، کلیه آمار استفاده شده در این قسمت برگرفته از نشریات سازمان ثبت احوال کشور (دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی) است که معتبرترین آمار در زمینه طلاق را ارائه می‌دهد.

افزایش فرزندان تک سرپرست خانوار و افزایش زنان سرپرست خانوار می‌گردد. اما آیا با وجود پیامدهای ناگوار مذکور، این پدیده از منظر اعضای جامعه نیز ناپسند است و به تعبیری دیگر، آیا نگرش افراد جامعه به این پدیده منفی است؟ آیا این نگرش طی نسل‌های مختلف تغییر می‌کند؟

نگرش منفی به طلاق نزد مردم یک جامعه در ایجاد هنجارهای محافظ خانواده و موانع ذهنی و اجتماعی برای بروز طلاق نقش مهمی دارند. این نگرش در جوامع سنتی بیشتر ریشه در آموزه‌های دینی و یا عرف صلب و غیر قابل تغییر دارد و تداوم آن در جوامع مدرن ممکن است هم از بقایای آموزه‌های دینی و هم از نوعی خانواده‌گرایی مدرن ناشی شود. برخی اندیشمندان معتقدند که اشکال اولیه سرمایه داری به دلیل اهمیت خانواده در بازتولید ساختار اقتصاد به تبلیغ و حمایت (حقوقی و اقتصادی) از آن گرایش دارند (انگلس، ۱۳۸۶). همچنین باید توجه داشت که افزایش بروز طلاق (بالا بودن نرخ طلاق) در یک جامعه علل مختلفی دارد که برخی مادی و عینی و برخی هم ذهنی در حوزه ارزش‌ها و نگرش‌ها هستند و همیشه افزایش نرخ طلاق نشانگر بی‌ارزش شدن خانواده یا ننگ مطلقه بودن نیست، به هر روی، نگرش مثبت به طلاق را در جوامع مدرن و به‌ویژه پسامدرن بیشتر می‌توان یافت. اگر در یک ماتریس مفهومی تقاطع نرخ طلاق در جامعه با نگرش به طلاق را در نظر آوریم، می‌توان چهار حالت مختلف را مفروض داشت که جوامع مختلف کنونی در یکی از زیرمجموعه‌های آن قرار می‌گیرند.

حالت پایین بودن نرخ طلاق در جامعه و منفی بودن نگرش به طلاق را بیشتر در جوامع خانواده‌گرای سنتی می‌یابیم (مانند ترکیه). اگر نرخ طلاق پایین بوده و نگرش منفی هم به طلاق کم باشد، با نوعی جامعه مدرن با تداوم اختیاری خانواده‌گرایی سروکار خواهیم داشت (مانند ژاپن). اما در صورت بالا بودن نرخ طلاق در یک جامعه اگر نگرش مردم به طلاق هم منفی نباشد (حتی مثبت باشد)، با یک جامعه مدرن که دچار بحران خانواده‌گرایی است مواجه هستیم (مانند سوئد و دانمارک). اگر علی‌رغم بالا بودن نرخ طلاق، نگرش به طلاق هنوز نزد مردم منفی باشد، با بحران خانواده‌گرایی بدون پذیرش اجتماعی مواجه خواهیم بود که بیشتر ویژگی جوامع در حال‌گذار است و به احتمال زیاد بیشترین شباهت جامعه ما به همین مورد اخیر خواهد بود.

در مواردی هم شکاف نسلی این بحث را پیچیده‌تر می‌کند. توضیح آنکه در یک

جامعه فرضی به‌ویژه اگر در حال گذار (به‌سوی تجدد) باشد، نگرش نسل‌های مختلفی که همزمان با یکدیگر در جامعه زندگی می‌کنند، ممکن است متفاوت باشد و یا طی نسل‌های مختلف تغییر کند و ممکن است پشتوانه‌های ذهنی و هنجاری حفظ خانواده تضعیف شود (یعنی نگرش منفی کم شود) و طلاق هم زیاد شود. البته این بدان معنا نیست که اگر آمار طلاق در جامعه‌ای زیاد بود، حتماً نگرش منفی به طلاق کم شده و یا این عامل بوده که باعث افزایش طلاق شده، بلکه ممکن است علل دیگری (برای مثال، بالا رفتن تمایل زنان به حضور در عرصه عمومی و مشارکت اقتصادی و...) دخیل باشند. در اینجا اگر هنوز نگرش منفی وجود داشته باشد باعث کنترل بحران شده و بروز طلاق کمی تعدیل می‌شود، ولی اگر نگرش منفی (به‌عنوان مانع بروز طلاق) هم از بین رفته باشد و عوامل دیگر هم باعث ایجاد طلاق شود، نرخ‌ها بالا می‌رود. برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان، آنچه اهمیت دارد، دانستن این موضوع است که جامعه در چه وضعیتی است؟

جدول ۱. ماتریس مقدمات مفهومی ارتباط نرخ طلاق با نگرش جامعه به طلاق

		نگرش به طلاق	
		مثبت	منفی
نرخ طلاق	بالا	بحران خانواده‌گرایی بدون پذیرش اجتماعی	بحران خانواده‌گرایی با پذیرش اجتماعی
	پایین	خانواده‌گرایی سنتی / اجباری	خانواده‌گرایی مدرن / اختیاری

در این پژوهش مسئله این است که ما در زمینه نگرش به طلاق دچار شکاف نسلی هستیم یا توافق نسلی و دیگر آنکه بر اساس مدل مذکور، جامعه در چه وضعیتی از چهارگانه فوق است. لازم به ذکر است که در این پژوهش به علل ایجاد شکاف نسلی، یا افزایش نرخ طلاق یا ارتباط علی این دو پرداخته نمی‌شود، بلکه فقط نشان داده شده که آیا در نگرش به طلاق تغییر نسلی اتفاق افتاده و این تغییر چیست. همچنین نگارندگان این مقاله به جستجوی عوامل ایجاد نسل‌ها نیستند، بلکه هدف از بررسی این بخش، ارائه تصویری از نسل، برای طبقه‌بندی آن در این مقاله و همچنین هدف از مرور ادبیات بودن یا نبودن انقطاع نسلی در ایران، نشان دادن نظرات مختلف در این حوزه است.

## ۱. رویکرد نظری

بررسی مفهوم نسل نشان می‌دهد که تعاریف بسیاری از نسل شده است، با این حال وفاق

کامل در مورد معنای نسل وجود ندارد. ما نهایتاً به‌عنوان آغازگر مباحث نسلی معتقد است: «نسل به‌عنوان یک واقعیت، برآمده از تجربیات مشترک تاریخی و فرهنگی افراد است» (Diepstaten, 1999). وایت<sup>۱</sup> معتقد است: وقایعی همچون جنگ، مصیبت‌های طبیعی، تغییرات ناگهانی سیاسی، جمعیتی و اقتصادی و غیره زمینه‌های شکل‌گیری نسل می‌شود (آزاد ارمکی، ۱۳۸۳: ۳۵). بیکر نسل را به‌عنوان گروهی از افراد که در زمینه‌های تاریخی مشخص و علایق خاص از هم تفکیک شده، می‌داند. در نهایت کرتزل مفهوم نسل را در چهار دسته تقسیم‌بندی می‌کند: در دسته اول مفهوم نسل همچون نسبت خویشاوندی است. در مفهوم دوم، همچون گروه‌های هم‌دوره، در مفهوم سوم همچون مرحله زندگی و در آخر مفهوم نسل همچون دوره تاریخی است (Kertzer, 1983). چیت‌ساز قمی ملاک‌های تمایز نسلی در ایران را مبتنی بر تحقیقات انجام شده به چهار دسته تقسیم می‌کند:

۱. ملاک سن و همسالان، ۲. تجارب مشترک جامعه‌پذیری، ۳. وقایع مهم تاریخی همچون جنگ، انقلاب، کودتا و... و ۴. تجربه‌های نسلی (چیت‌ساز قمی، ۱۳۸۶: ۹۲-۹۱). همچنین در تحقیقاتی که در این زمینه انجام گرفته است سه نسل تشخیص داده شده که در جدول زیر آمده است:

جدول ۲. مقایسه تعریف نسل در تحقیقات مختلف داخلی

محمدی	آزاد	اسماعیلی	آزاد - غفاری	
۴۰-۶۰	پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها	۴۵ سال به بالا	۶۱ سال به بالا	نسل اول
۲۰-۴۰	پدرها و مادرها	۳۰-۴۵	۲۵-۶۰	نسل دوم
زیر بیست سال	فرزندان	۱۵-۲۹	۱۵-۲۴	نسل سوم

منبع: چیت‌ساز قمی، ۱۳۸۶: ۱۰۲

نکته دیگر در خصوص نسل‌ها، بودن یا نبودن انقطاع نسلی است. معیدفر (۱۳۸۳) دیدگاه‌های موجود در باب وجود یا عدم وجود شکاف نسلی در ایران را به چهار دسته تقسیم کرده است: دسته اول معتقدان به وجود شکاف نسلی در ایران هستند که خود به دو دسته بدبینان و خوش‌بینان به شکاف نسلی منفک می‌شوند. دسته دوم، قائل به تفاوت نسلی هستند نه شکاف نسل‌ها، دسته سوم مسائل اصلی را نه گسست نسلی، بلکه گسستی فرهنگی

1. Wiyait

می‌داند و سرانجام، دیدگاهی که با بیم و امید، شرایط فعلی را در صورت عدم مدیریت صحیح، داری پتانسیل گسترش تفاوت‌های نسلی تا سرحد شکاف نسلی تلقی می‌کنند (ساروخانی، ۱۳۸۸: ۱۸).

آزاد ارمکی (۱۳۸۶) ادبیات نسلی را به دو عرصه مدافعان انقطاع نسلی و مخالفان آن تقسیم‌بندی کرده است و در نهایت جهت فهم وضعیت نسلی در ایران سه نوع دیدگاه را نام می‌برد: ۱. توافق نسلی، ۲. گسست نسلی و ۳. تغییر نسلی.

توافق نسلی در صورتی پیش می‌آید که نسل‌ها بر اساس بستر واحد فرهنگی و وحدت رویه، صورت‌های عملی یکسان داشته و توافق اجتماعی و فرهنگی شکل گرفته باشد. بدین لحاظ با وجود توافق نسلی، وجود شکاف امری توهمی و خیال‌گونه است. نظام مفهومی و نظری که این نوع رویکرد بدان متعلق است، نظریه ساختی است. بدین معنی که ساختارهای متصلب در سطح فرهنگی و اجتماعی، امکان ظهور تراحم را فراهم نمی‌کند. مدافعان این رویکرد معتقدند: اساساً شکافی میان نسل‌ها وجود ندارد، آنچه هست اختلاف ناچیز یا در مواردی نادر قابل توجه است که به‌طور طبیعی در تمامی جوامع و از جمله کشور ما وجود دارد (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۵۰). در گسست نسلی می‌توان از دو مفهوم «انقطاع نسلی» و «گسست نسلی» نام برد. انقطاع نسلی به شکل نهایی گسست نسلی که توأم با تراحم نسل‌ها است، اطلاق می‌شود. به عبارت دیگر گسست نسلی مقدمه دستیابی به انقطاع نسلی است. با وجود اختلاط دو اصطلاح گسست و انقطاع نسلی، بیشتر با مفهوم گسست نسلی تا انقطاع نسلی کار داریم، زیرا انقطاع نسلی حد نهایی بی‌ارتباطی بین نسلی و در بعضی از سطوح رابطه خصومت‌آمیز بین نسل‌ها است (همان: ۵۲). گسست در وضعیتی شکل می‌گیرد که نسل‌ها امکان تعامل و رابطه با یکدیگر را ندارند. از طرف دیگر، گسست نسلی به موقعیتی اطلاق می‌شود که حداقل توافق فرهنگی و اجتماعی که منشأ تراحم نسلی است، وجود دارد (همان: ۵۲). در رویکرد گسست، رابطه نسل‌ها با یکدیگر بر مبنای احساس بی‌نیازی و استقلال کامل است که در عمل منجر به فاصله گرفتن از یکدیگر می‌شود و به مرزبندی و جدایی کامل می‌انجامد. در نتیجه انقطاع نسل‌ها شکل می‌گیرد (همان). آزاد ارمکی معتقد است که تفاوت نسلی به معنای قبول حضور همزمان سه نسل مستقل با یکدیگر در متن اجتماعی است. هر نسل با توجه به درک و فهمی که از اوضاع و موقعیت‌های پیرامونی دارد، هویت مستقل یافته و در این حال نیز به لحاظ حضور همزمان،

رابطه تعاملی پیدا می‌کنند و بدین لحاظ است که تغییر نسلی در فرایندی که در آن ضمن موقعیت‌های متفاوت دیده می‌شود، گسست و همسانی شکل می‌گیرد (همان). اما در اینکه تفاوت نسلی به کدام‌یک از دو طرف (گسست یا همسانی نسلی) نزدیک‌تر است، مناقشه وجود دارد (باقری، ۱۳۸۲ و آزاد ارمکی، ۱۳۸۶).

در این میان دگرگونی‌های ارزشی در حوزه خانواده واجد اهمیت است. خانواده «به‌عنوان کانون اصلی تعامل طبیعی بین نسلی، ضمن فراهم ساختن رابطه تعاملی میان نسل‌ها، محل تفاوت‌ها و تعارض‌های نسلی نیز هست» (آزاد ارمکی، ۱۳۸۳: ۵۷۰). تحولات اجتماعی دهه‌های گذشته در سطح جهانی، نظام‌های خانواده را با تغییرات، چالش‌ها، مسائل و نیازهای جدید و متنوعی مواجه کرده است. آنگاه پیامد این تغییرات در ابتدا موجب گسستگی روانی و سپس گسستگی اجتماعی و در نهایت به طلاق منجر می‌شود. طلاق با تمام کم و کاستی‌هایش، مهم‌ترین تهدید علیه بنیان خانواده به شمار می‌رود. طلاق نه تنها یکی از معضلات نهاد خانواده، بلکه معضلی اساسی برای جامعه نیز محسوب می‌شود. در این مقاله، آنچه مورد نظر است اختلافات نگرشی به طلاق در بین نسل‌سومی (فرزندان)، در برابر نسل‌دومی‌ها و نسل‌اولی‌ها است.

ماگک دوگال و لاسول معتقدند که افراد برای رسیدن به اهدافشان از وسایل موجود بهره می‌گیرند. اما شکل و زمان ارضای خواست‌ها تنها در چارچوب فرهنگ و سازمان اجتماعی و شرایط و محدودیت‌هایی که در جامعه وجود دارد صورت می‌گیرد. در جوامعی که در حال انتقال از وضع اجتماعی و اقتصادی خاص به وضع و شرایط دیگری هستند، مشکلاتی پدید می‌آید که نتیجه تصادم نوگرایی و پابندی به سنت‌های دیرین و تشدید جنگ بین نسل‌هاست. در این مرحله حساس، عناصر اخلاقی و ارزش‌های اجتماعی بیش از هر چیز دیگر تغییر وضع می‌دهند. بسیاری از موضوعات بی‌ارزش دیروز، در محدوده عناصر نوین و مقبول امروزی پای می‌نهند و بسیاری از عناصر مطلوب اجتماعی از قلمرو ارزش‌های اجتماعی خارج می‌شوند. هر چقدر این تحول سریع باشد، تضاد و جابه‌جایی ارزش‌ها و نگرش‌ها چشمگیرتر خواهد بود. در چنین شرایطی نیروهای حاکم بر جامعه، جای خود را به نیروهای تازه می‌سپارند و نظام ارزش‌های جامعه دستخوش آشوب می‌گردد، بازتاب این وضعیت را می‌توان در نظام ارزش‌های خانواده و همچنین نگرش به خانواده مشاهده کرد. ولی از آنجا که سرعت حرکت هر فرهنگ با حرکت اقتصادی و

نوآوری‌های فناوری یکسان نیست، نسل‌هایی که در معرض چنین تحولات سریع اجتماعی قرار می‌گیرند، نمی‌توانند معیارهای همه‌پسندی برای وظیفه، فداکاری و ارزش‌های همانند آن داشته باشند، در این احوال کشمکش درون خانواده ایجاد می‌شود و نابسامانی خانواده و طلاق افزایش می‌یابد (مساواتی، ۱۳۷۵: ۲۸۱). همان‌طور که ساروخانی مطرح می‌کند، اختلاف‌های نسلی را می‌توان یکی از مصادیق و توابع‌گذار جوامع از صورت سنتی به شکل مدرن دانست (ساروخانی، ۱۳۸۸: ۸). بر این اساس تفاوت‌های نسلی در شرایط کنونی می‌تواند به‌عنوان توضیح‌دهنده مناسبی برای برخی از تغییر نگرش‌ها در حوزه اجتماع باشد؛ در شرایط کنونی سرعت تغییرات به حدی است که برخی معتقدند که ارزش‌ها، هنجارهای نسل جدید شکل گرفته است. به تعبیر باتمور، نسل‌های جدید هرگز زندگی اجتماعی پیشینیان خود را تکرار نمی‌کنند، بلکه این تکرار همراه با انتقاد، در برخی از جنبه‌های سنتی و یا نوآوری‌ها همراه است.

از مهم‌ترین تغییرات ناشی از فرایند مدرنیزاسیون در جامعه ایران، دگرگونی نظام ارزشی بعد از پایان جنگ با عراق به بعد بود که طی آن از یک سو نظام ارزش‌های مادی و نابرابر گسترش یافت و از سوی دیگر و همسو با آن، ارزش‌های مذهبی تضعیف شد (رفیع‌پور، ۱۳۸۲: ۱۷). قدر مسلم آن است که مدرنیته با تمام عناصر خاص خود پارادایم‌های معرفتی نسل‌ها را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد و این موضوع در ایران شرایط جدیدی را پدید آورده است (قادری، ۱۳۸۲: ۱۷۸). به بیان دیگر، در هنگامه بحران ارزش‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌های اساسی یک جامعه بر لذت‌طلبی، تمتع‌آنی، مصلحت‌گرایی فردی، سودگرایی، ماده‌گرایی و ابزارگرایی استوارند. انسان‌ها صرفاً به تمتع می‌اندیشند و فقط مصالح خود را در نظر آورده و همه‌چیز در چارچوب امور مادی، ملموس و حتی جسمانی خلاصه می‌شود، ارتباطات انسانی نیز از این شرایط تأثیر می‌پذیرند. روابط انسان‌ها از بعد معنوی تهی و صرفاً در راه لذت‌جویی‌آنی است. این نوع روابط بسیار سست و آسیب‌پذیر و شکننده بوده و به محض آنکه مصلحت دیگری روی نماید یا بر اثر مرور زمان یا عوامل دیگر، رابطه‌ها از درون تهی شده و به بهانه‌های مختلف می‌شکند، در این شرایط روابط زوجیت نیز از این قاعده مستثنا نبوده و آمار طلاق روز به

- 
1. Hedonism
  2. Utilitarianism



روز افزایش خواهد یافت (ساروخانی، ۱۳۷۶: ۷).

این یک واقعیت است که میزان طلاق در جوامع نوین زیاد شده است. این وضعیت، از جامعه و ارزش‌های متغیر ما سرچشمه می‌گیرد تا از گسیختگی و تباهی خانواده به‌عنوان یک نهاد اجتماعی. امروزه از انواع کارکردهای خانواده در گذشته کاسته شده و زن و شوهر برای تأمین نیازمندی‌ها و خدمات خود به خانواده متکی نیستند و گسست پیوند زناشویی آن‌ها در یک محیط زناشویی ننگ نیست (کوئن، ۱۳۷۰: ۱۳۳).

## ۲. روش تحقیق

در این تحقیق با توجه به موضوع مورد مطالعه و امکانات تحقیق، روش پیمایشی به‌عنوان مناسب‌ترین روش برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نظر قرار گرفت. قابل ذکر است که جهت تدوین مبانی و چارچوب نظری پژوهش از روش اسنادی بهره گرفته شده است. جامعه آماری این تحقیق شامل مجموعه افراد (مرد و زن) ۱۵ سال و بالاتر ساکن در استان زنجان است. با توجه به تمایزات ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی موجود در بین افراد ساکن استان زنجان و پراکندگی آنها در مرکز استان و شهرها و توابع آن، با استفاده از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای طبقه‌بندی شده، متناسب با حجم جمعیتی هر یک از شهرها (متناسب با طرح آمارگیری نفوس و مسکن ۱۳۸۵)؛ نمونه به‌طور تصادفی و سیستماتیک و با استفاده از فرمول کوکران و به تعداد ۶۱۰ نفر انتخاب شده است. به‌علت حذف ۱۶ پرسشنامه، داده‌های مربوط به ۵۹۴ نفر از پاسخگویان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این مقاله مبتنی بر نظر آزاد و غفاری (۱۳۸۱)، افراد ۲۴-۱۵ ساله را نسل سومی، ۶۰-۲۵ ساله را نسل دومی و ۶۱ ساله به بالا را نسل اولی می‌نامیم. همچنین برای سنجش نگرش به طلاق از پنج گویه استفاده شده است: ۱. افراد طلاق گرفته زندگی بهتری را در آینده تجربه خواهند کرد، ۲. طلاق موجب صدمات عاطفی سنگینی برای زن و شوهر می‌شود، ۳. زندگی زناشویی هر چقدر هم که سخت باشد، از زندگی بعد از طلاق بهتر است، ۴. نسبت به افراد طلاق گرفته احساس خوبی دارم و ۵. مخالفت‌هایی که در جامعه با طلاق می‌شود اکثراً بی‌مورد است.

در تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار آماری SPSS و در توصیف و تحلیل داده‌ها از جدول دو بعدی تبیینی و آزمون‌های آماری مربوط همانند کای اسکوئر، وی کرامر و ضریب همبستگی استفاده شده است.

**۳. یافته‌ها****۳-۱. مشخصات جمعیت نمونه**

با توجه به نتایج به دست آمده، مشخص شد که در میان پاسخگویان استان زنجان، ۴۵ درصد مرد و ۵۵ درصد زنان با میانگین ۳۷ سال بوده است. در حدود ۹۵ درصد، قومیت خود را ترک معرفی کردند و سایرین فارس، کرد و غیره بوده‌اند. در بررسی وضع تحصیلی آنها نیز مشخص شد که ۳۴ درصد افراد مورد بررسی، تحصیلاتی کمتر از راهنمایی داشته‌اند، ۲۸ درصد دیپلم، ۳۵ درصد کاردانی و کارشناسی و ۳ درصد کارشناسی ارشد و بالاتر داشته‌اند. ۶۵ درصد افراد مورد بررسی، متأهل و ۳۳ درصد مجرد بودند. بر این اساس در حدود ۲۸ درصد پاسخگویان نسل سومی، ۵۸ درصد نسل دومی و ۱۴ درصد نسل اولی هستند. وضعیت سواد در بین سه نسل نشان می‌دهد که در حدود ۵۶ درصد بی سواد و در مجموع ۸۴ درصد از نسل اولی‌ها تحصیلاتی کمتر از ابتدایی دارند و این آمار برای زنان به ۸۶/۵ درصد و برای مردان به ۷۱ درصد می‌رسد. در نسل دومی‌ها میزان سواد بالا رفته، در حدود ۳۵/۵ درصد تحصیلاتی بالاتر از دیپلم دارند و میزان افراد بی سواد ۱۰/۷ درصد کاهش یافته است و در حدود ۱۲/۷ درصد زنان نسل دومی‌ها بی سواد و در حدود ۳۵ درصد تحصیلاتی بالاتر از دیپلم دارند و این آمار برای مردان به ترتیب ۷/۷ درصد و ۴۲ درصد می‌باشد. در نسل اولی‌ها میزان سواد نسبت به نسل سومی‌ها و دومی‌ها بالا رفته، در حدود ۵/۵۷ درصد تحصیلاتی بالاتر از دیپلم دارند و میزان بی سواد ۱/۸ درصد کاهش یافته است؛ در حدود ۲/۳ درصد زنان نسل اولی‌ها بی سواد و در حدود ۵۸/۶ درصد تحصیلاتی بالاتر از دیپلم دارند و این آمار برای مردان به ترتیب ۱/۳ درصد و ۵۶/۳ درصد است. در مقایسه وضعیت سواد در سه نسل، کاهش بی سواد و بالا رفتن میزان سواد و تحصیلات، به ویژه در میان زنان را نشان می‌دهد. در وضعیت تأهل یافته‌ها نشان می‌دهد که ۸۸/۱ درصد از نسل اولی‌ها متأهل، ۷/۱ درصد مجرد و ۴/۷ درصد سایر موارد بوده‌اند، در نسل دومی‌ها ۱۴/۷ درصد مجرد، ۸۴/۱ درصد متأهل و ۱/۲ درصد سایر موارد بوده و ۸۶/۸ درصد از نسل سومی‌ها مجرد، ۱۲/۶ درصد متأهل و ۰/۶ درصد سایر موارد هستند.

## ۲-۳. نگرش به طلاق

برای سنجش نگرش به طلاق، از پنج گویه در مقیاس ترتیبی استفاده شده که در مجموع ۴۷/۴ درصد پاسخگویان نگرشی منفی به طلاق دارند ۳۷/۶ درصد نگرشی بینابین و ۱۵ درصد نگرش مثبتی به طلاق دارند. همان‌طور که یافته‌های جدول شماره (۳) نشان می‌دهد، در برخی از گویه‌های نگرش به طلاق در بین سه نسل متفاوت است. ۵۲/۴ درصد نسل اولی‌ها معتقدند که افراد طلاق گرفته در آینده زندگی بهتری را تجربه نخواهند کرد این آمار برای نسل دومی‌ها ۵۸/۴ درصد و برای نسل سومی‌ها ۵۲/۱ درصد است، همان‌طور که آزمون کای اسکوئر در خصوص این گویه تفاوت معناداری بین نسل‌ها نشان نمی‌دهد. به عبارتی می‌توان گفت که بیش از ۵۰ درصد پاسخگویان با این گویه مخالف هستند. بیش از ۸۰ درصد نسل اولی‌ها بیان داشته‌اند که طلاق موجب صدمات عاطفی سنگینی برای زن و شوهر می‌شود، این آمار برای نسل دومی‌ها ۷۶/۴ درصد و برای نسل سومی‌ها در حدود ۷۱ درصد بود، همچنین آزمون کای اسکوئر در خصوص این گویه تفاوت معناداری بین نسل‌ها نشان می‌دهد. در حدود ۵۵ درصد نسل اولی‌ها معتقدند: طلاق بهتر از زندگی زناشویی سخت است و ۲۵ درصد نظری برعکس در این خصوص دارند. این آمار برای نسل دومی‌ها ۴۲/۱ درصد و برای نسل سومی‌ها در حدود ۴۰/۱ درصد بود، همچنین آزمون کای اسکوئر در خصوص این گویه تفاوت معناداری بین نسل‌ها نشان می‌دهد. این داده نشان می‌دهد بر عکس تصور رایج، نسل اولی‌ها بیش از نسل دومی و نسل سومی‌ها واقعه طلاق را برای شرایط سخت زندگی می‌دانند. در حدود ۷۰ درصد پاسخگویان (هر سه نسل) نسبت به افراد طلاق گرفته احساس خوبی ندارند. همچنین آزمون کای اسکوئر در خصوص این گویه تفاوت معناداری بین نسل‌ها را نشان نمی‌دهد. در انتها ۵۲/۴ درصد از نسل اولی‌ها با مخالفت‌هایی که در جامعه با طلاق می‌شود موافق هستند؛ این آمار برای نسل دومی‌ها ۴۲/۴ درصد و برای نسل سومی‌ها ۳۴/۷ درصد بود، همچنین آزمون کای اسکوئر در خصوص این گویه تفاوت معناداری بین نسل‌ها نشان می‌دهد.

جدول ۳. توزیع فراوانی نسبی نگرش سه نسل در مورد گویه‌های طلاق

مخالفت‌هایی که در جامعه با طلاق می‌شود اکثراً بی‌مورد است؟	نسبت به افراد طلاق گرفته احساس خوبی دارم؟	زندگی زناشویی هر چقدر هم که سخت باشد، از زندگی بعد از طلاق بهتر است؟	طلاق موجب صدمات عاطفی سنگینی برای زن و شوهر می‌شود؟	افراد طلاق گرفته زندگی بهتری را در آینده تجربه خواهند کرد؟			
۴۴	۵۸	۴۶	۷	۴۴	مخالف	نسل اول	
%۵۲/۴	%۶۹	%۵۴/۸	%۸/۳	%۵۲/۴			
۲۰	۲۰	۱۷	۹	۲۴			بینابینی
%۲۳/۸	%۲۳/۸	%۲۰/۲	%۱۰/۷	%۲۸/۶			موافق
۲۰	۶	۲۱	۶۸	۱۶			میانگین از ۱۰۰
%۲۳/۸	%۷/۱	%۲۵	%۸۱	%۱۹			
۵۷/۱	۴۶/۰	۵۶/۷	۵/۵۷	۵۵/۶	مخالف	نسل دوم	
۱۴۷	۲۴۱	۱۴۶	۴۰	۲۰۲			
%۴۲/۴	%۶۹/۵	%۴۲/۱	%۱۱/۵	%۵۸/۴			بینابینی
۱۱۷	۸۷	۸۶	۴۲	۹۵			موافق
%۳۳/۷	%۲۵/۱	%۲۴/۸	%۱۲/۱	%۲۷/۵			میانگین از ۱۰۰
۸۳	۱۹	۱۱۵	۲۶۵	۴۹			
%۲۳/۹	%۵/۵	%۳۳/۱	%۷۶/۴	%۱۴/۲	مخالف	نسل سیم	
۵۸	۱۱۵	۶۷	۱۴	۸۷			
%۳۴/۷	%۶۸/۹	%۴۰/۱	%۸/۵	%۵۲/۱			بینابینی
۶۲	۳۹	۵۰	۳۴	۵۴			موافق
%۳۷/۱	%۲۳/۴	%۲۹/۹	%۲۰/۶	%۳۲/۳			میانگین از ۱۰۰
۴۷	۱۳	۵۰	۱۱۷	۲۶			
%۲۸/۱	%۷/۸	%۲۹/۹	%۷۰/۹	%۱۵/۶			
۶۴/۵	۴۶/۳	۶۳/۳	۵۴/۱	۵۴/۵			
کای اسکوتر = ۸/۹۸	کای اسکوتر = ۱/۱۹	کای اسکوتر = ۶/۸	کای اسکوتر = ۸/۷	کای اسکوتر = ۳			
معناداری = ۰/۰۰۰	معناداری = ۰/۸۷۸	معناداری = ۰/۰۵	معناداری = ۰/۰۰۰	معناداری = ۰/۵۵۷			

یافته‌ها نشان می‌دهد (جدول شماره ۴) که نگرش غالب به طلاق هنوز منفی است؛ اما نگرش به طلاق به‌طور بین‌نسلی متفاوت است و آزمون کای اسکوئر تفاوت معناداری را بین نسل‌ها نشان می‌دهد. ۵۷ درصد نسل اولی‌ها نگرشی منفی به طلاق دارند، ۲۷/۴ درصد نگرشی بینابینی و ۱۵/۵ درصد نگرشی مثبت به طلاق وجود دارد. ۴۸/۶ درصد از پاسخگویان نسل دومی نگرشی منفی به طلاق دارند، ۳۴/۷ درصد نگرشی بینابینی داشته و ۱۶/۸ درصد نگرشی مثبت به طلاق وجود دارد. ۴۱/۲ درصد نسل سوم‌ها نگرشی منفی به طلاق دارند، ۴۷/۳ درصد نگرشی بینابینی داشته و ۱۱/۵ درصد نگرشی مثبت به طلاق وجود دارد.

جدول ۴. توزیع فراوانی نسبی نگرش سه نسل در مورد طلاق

کل	نگرش به طلاق			مقدار	
	مثبت	بینابین	منفی		
۸۴	۱۳	۲۳	۴۸	مقدار	نسل اول
۱۰۰	۱۵/۵	۲۷/۴	۵۷/۱	درصد سطری	
۳۴۶	۵۸	۱۲۰	۱۶۸	مقدار	نسل دوم
۱۰۰	۱۶/۸	۳۴/۷	۴۸/۶	درصد سطری	
۱۶۵	۱۹	۷۸	۶۸	مقدار	نسل سوم
۱۰۰	۱۱/۵	۴۷/۳	۴۱/۲	درصد سطری	
۵۹۵	۹۰	۲۲۱	۲۸۴	مقدار	کل
۱۰۰	۱۵/۱	۳۷/۱	۴۷/۷	درصد سطری	
کای اسکوئر = ۱۲/۳۹۷		معناداری = ۰/۰۱۵			

در تحلیل جنسیتی داده‌ها همان‌طور که در جدول شماره (۵) مشاهده می‌شود، تغییر نگرش نسلی را در بین مردان مبتنی بر آزمون کای اسکوئر تفاوت معناداری نشان نمی‌دهد؛ اما این تغییر نگرش نسلی در بین زنان مبتنی بر آزمون کای اسکوئر معنادار است.

جدول ۵. توزیع فراوانی نسبی نگرش سه نسل در مورد طلاق به تفکیک جنسیت

میانگین از ۱۰۰	نگرش به طلاق			نسب	جنسیت
	مثبت	بینابین	منفی		
۵۸/۵	۱۱	۳۷	۳۰	مقدار	مرد
	۱۴/۱	۴۷/۴	۳۸/۵	درصد سطری	
۵۷/۷	۲۶	۵۱	۶۴	مقدار	
	۱۸/۴	۳۶/۲	۴۵/۴	درصد سطری	
۵۸/۹	۱۰	۱۶	۲۱	مقدار	
	۲۱/۳	۳۴	۴۴/۷	درصد سطری	
۵۸/۱	۴۷	۱۰۴	۱۱۵	مقدار	
	۱۷/۷	۳۹/۱	۴۳/۲	درصد سطری	
کای اسکوتر = ۳/۵۴۴			معناداری = ۰/۴۷		
۵۵	۸	۴۱	۳۸	مقدار	زن
	۹/۲	۴۷/۱	۴۳/۷	درصد سطری	
۴۵	۳۲	۶۹	۱۰۴	مقدار	
	۱۵/۶	۳۳/۷	۵۰/۷	درصد سطری	
۴۴/۸	۳	۷	۲۷	مقدار	
	۸/۱	۱۸/۹	۷۳	درصد سطری	
۴۶/۱	۴۳	۱۱۷	۱۶۹	مقدار	
	۱۳/۱	۳۵/۶	۵۱/۴	درصد سطری	
کای اسکوتر = ۱۳/۴۵			معناداری = ۰/۰۰۰		

بر این اساس، ۷۳ درصد زنان نسل اولی نگرشی منفی، ۱۸/۹ درصد نگرشی بینابینی و در حدود ۸ درصد نگرشی مثبت به طلاق دارند (با میانگین ۴۴/۸). در حدود ۵۱ درصد زنان نسل دومی نگرشی منفی، ۳۳/۷ درصد نگرشی بینابینی و در حدود ۱۵/۶ درصد نگرشی مثبت به طلاق دارند (با میانگین ۴۵) و در حدود ۴۳/۷ درصد زنان نسل سومی نگرشی منفی، ۴۷/۱ درصد نگرشی بینابینی و در حدود ۹/۲ درصد نگرشی مثبت به طلاق دارند (با میانگین ۵۵).

#### ۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بررسی یافته‌ها نشان می‌دهد که با وجود تغییرات گسترده‌ای که در سطح جامعه به وجود آمده، نگرش نسبت به طلاق در بین نسل‌های متفاوت همچنان منفی است؛ اما تفاوت در بین نسل‌ها وجود دارد. چنانکه آزاد ارمکی معتقد است: تحولات اجتماعی بر برخی نگرش‌های رایج در حوزه خانواده، نظیر ازدواج‌های خارج از شبکه فامیلی و کاهش نفوذ خانواده در انتخاب همسر و یا برخی رفتارها نظیر شوخی زن و شوهر جوان جلوی بزرگ‌ترها و دراز کشیدن و خوابیدن جلوی آنها، تأثیر گذاشته است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۳). این تحقیق نشان می‌دهد که نگرش به طلاق نیز در بین نسل‌ها، متفاوت است. هرچند که تفاوت در نگرش به طلاق در بین زنان معنادار و مشهودتر از مردان است. بسیاری از متفکران تغییر نگرش زنان در دوران جدید را تأیید می‌کنند. همان‌طور که نولان و لنسکی (۱۳۸۰) اشاره می‌کنند، تأثیر صنعتی شدن بر معیارها، موازین و ارزش‌های اجتماعی هیچ‌کجا آشکارتر از تحولاتی نیست که در نقش زنان دیده می‌شود. تغییرات حاصل شده در نقش زنان آشکارا در شیوه زندگی آنان بازتاب یافته است. شگفت‌انگیز نیست که در زمینه‌های زندگی خانوادگی، بسیاری از تفاوت‌های سنتی بین دو جنس رنگ و بوی خود را از دست داده باشد (نولان و لنسکی، ۱۳۸۰: ۴۶۵). وضعیت جدید و تحولات نگرشی، حاصل نوعی اثرگذاری متعامل بین فرآیندهای نرم‌افزاری و جریان‌های سخت‌ساختاری و فردی است (آزاد ارمکی و غفاری، ۱۳۸۱: ۹). از منظر محققان نسلی و سیاست‌گذاران اجتماعی، نکته کلیدی آن است که در جامعه کنونی اگر در گذشته نوعی توافق نسلی در خصوص منفی بودن طلاق را شاهد بودیم، امروز با نوعی تغییر نسلی مواجهیم که با ادامه روند فعلی (که به لحاظ عینی و ذهنی متأثر از فرایندها و برنامه‌های خارج از جامعه است) احتمالاً در آینده منجر به گسست نسلی و مثبت شدن نگرش به طلاق خواهد شد. نوع برخورد با این تغییر و تلقی فرصت/تهدید داشتن از آن را، جهت‌گیری‌های سیاست‌گذاران مشخص خواهد کرد.

بر این اساس، توصیه‌های راهبردی برآمده از این یافته‌ها به موضوعات زیر دلالت

دارد:

- استفاده از پتانسیل فعلی نگرش منفی به طلاق و تقویت و حفظ آن با در نظر داشتن کاهش تدریجی احتمالی آن و توجه به ریشه‌های این نگرش و امکان جایگزینی آنها

بر اساس ملزومات دوران خود؛

- سرمایه گذاری برای حفظ پیوندهای نسلی، به ویژه با اهمیت قائل شدن و حرمت نهادن بر ارزش های صحیح نسل های گذشته و ارائه تفسیرهای به روز از آنها؛
- داشتن رویکرد جنسیتی (به ویژه با توجه ویژه به زنان) در تدوین هر گونه راهبرد برای طلاق؛
- توجه به پذیرش حدودی از تغییرات ارزشی بین نسلی و انطباق دادن راهبردهای جدید با آنها.



## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۳). «رابطه بین‌نسلی در خانواده ایرانی»، مجموعه مقالات مسائلی اجتماعی ایران، تهران: انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- آزاد ارمکی، تقی و غلام‌رضا غفاری (۱۳۸۱). «تبیین نگرش نسلی به زن در جامعه ایران»، فصلنامه پژوهش زنان، شماره ۳.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶). «فرایند تغییر نسلی؛ بررسی فراتحلیل در ایران»، جوان و مناسبات نسلی، بهار و تابستان، شماره ۱.
- امیدی، کاوه (۱۳۸۰). طلاق و خودکشی، تهران: مرکز مطالعات معاونت اجتماعی ناجا.
- انگلس، فردریش (۱۳۸۶). منشأ خانواده، مالکیت خصوصی و دولت، ترجمه خسرو پارسا، نشر دیگر.
- باقری، خسرو (۱۳۸۲). «امکانات و عوامل گسست نسل‌ها»، در نگاهی به گسست نسل‌ها: رویکرد فلسفی، جامعه‌شناختی، روان‌شناسی، سیاسی، تاریخی و ادبی، به اهتمام علی‌اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- پیران، پرویز (۱۳۶۹). «در پی تبیین جامعه‌شناختی طلاق: برخی ملاحظات روش‌شناختی»، ماهنامه اجتماعی - اقتصادی رونق، شماره ۱.
- چیت‌ساز قمی، محمد جواد (۱۳۸۶). «بازشناسی مفاهیم نسل و شکاف نسلی»، تهران: مجله جوانان و مناسبات‌های نسلی، شماره اول.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۲). توسعه و تضاد، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۶). طلاق - پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن، تهران: انتشارات دانشگاه.
- ساروخانی، باقر و مجتبی صدقاتی‌فرد (۱۳۸۸). «شکاف نسلی در خانواده ایرانی؛ دیدگاه‌ها و بینش‌ها»، تهران: پژوهشنامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره ۴.
- علی‌بالا‌زاده، مژگان (۱۳۸۳). تأثیر طلاق در گرایش دختران به فرار از منزل، تهران: مرکز مطالعات معاونت اجتماعی ناجا.
- فلاحی گیلان، روح‌الله، عبدالحسین کلانتری، پیام روشنفکر (۱۳۸۹). «خانواده پایدار و طلاق: مطالعه وضعیت طلاق در شهر تهران»، دانش شهر، شماره ۲۱، شهریور ۱۳۸۹، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
- قادری، حاتم (۱۳۸۲). «انقطاع نسل‌ها، انقلاب کامل، نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها»، به اهتمام علی‌اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- کوئن، بروس (۱۳۷۰). مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، فرهنگ معاصر.
- گل محمدی خامنه، علی (۱۳۷۸). اعتیاد به مواد مخدر: جرم‌نگاری یا جرم‌زدای، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- مساواتی آذر، مجید (۱۳۷۵). «خانواده‌های مهاجر روستایی و زمینه‌های طلاق»، فصلنامه جمعیت،

سال پنجم، شماره ۱۵ و ۱۶: ۴۹-۴۰.  
نولان، پاتریک و گرهارد لنسکی (۱۳۸۰). جامعه‌های انسانی: مقدمه بر جامعه‌شناسی کلان، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.

### ب) منابع لاتین

- Diepstvaten, Isabelle and Ester, Peter et al (1999). Talking About Me Generation, Ego and Alter Images of Generation in the Netherlands, netherlanras journal of social science.
- Kertzer, I. David (1983). Generation as Sociological Problem, Annual review.
- Weiss, Robert S. (1975). Marital Seperation, NewYork: Basic Books, 1975.